

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Challenges of the Seventh Development Plan from the Perspective of Economic Public Law

Sakineh Halvani¹, Mohammad Reza Baharestanfar^{*2}, Mohammad Hossein Jafari³, Mohammad Hossein Karimi³

1. PhD student, Department of Public Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Law, Taft Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

* Corresponding Author's Email: M.reza.6161@gmail.com

ABSTRACT

Economic public law is one of the important dimensions of public law that has been theoretically discussed and examined; however, its explanation and analysis within the framework of development plans in Iran has been somewhat neglected. Considering the growing significance of this branch of law and the current economic conditions of society, the objective of the present article is to examine the challenges of the Seventh Development Plan in relation to economic public law. The methodology of the article is descriptive-analytical. The materials and data are qualitative in nature, and content was collected through note-taking and document analysis. The findings indicate that the key challenges facing economic public law in the Seventh Development Plan include: legislative system challenges stemming from the Constitution, the Law on Planning and Budgeting, and the internal bylaws of the Islamic Consultative Assembly; challenges related to the objectives and nature of the formulated policies, including the inconsistency between realities and program goals, the incompatibility of program objectives with economic theory, lack of internal coherence within the plan and its policies, excessive volume of policies, and absence of priority-setting; as well as practical and executive challenges and issues related to oversight mechanisms. The conclusion is that the realization of economic public law within development plans—specifically the Seventh Development Plan—requires an appropriate legal framework. To this end, it is necessary to adopt the principle of free trade and a free market, to limit government intervention in the economy to a regulatory role, to implement competition law and privatization in a precise and authentic manner, and to ensure the principles of proportionality and equality are upheld.

Keywords: economic public law, proportionality, equality, free trade, competition, Seventh Development Plan.

How to cite: Halvani, S., Baharestanfar, M. R., Jafari, M. H., & Karimi, M. H. (2025). Challenges of the Seventh Development Plan from the Perspective of Economic Public Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-17.



تاریخ ارسال: ۲ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ مرداد ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش‌های برنامه هفتم توسعه از منظر حقوق عمومی اقتصادی

سکینه حلوانی^۱، محمدرضا بهارستان‌فر^۲، محمد حسین جعفری^۳، محمد حسین کریمی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: M.reza.6161@gmail.com

چکیده

حقوق عمومی اقتصادی از جمله ابعاد مهم حقوق عمومی است که به صورت نظری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما تبیین و تحلیل آن در برنامه‌های توسعه در ایران تا حدی مورد غفلت واقع شده است. با توجه به اهمیت فزاینده این دسته از حقوق و شرایط اقتصادی فعلی جامعه، هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های برنامه هفتم توسعه در زمینه حقوق عمومی اقتصادی است. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد چالش‌های مربوط به نظام قانون‌گذاری در قانون اساسی، قانون برنامه‌بودجه و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین‌شده شامل متفاوت بودن واقعیت‌ها با اهداف برنامه، ناهمخوانی اهداف برنامه با نظریه اقتصادی، عدم انسجام درونی برنامه و داخل سیاست‌ها، حجم زیاد سیاست‌ها و عدم تعیین اولویت‌ها، چالش‌های کاربردی و اجرایی و چالش‌های نظارتی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی حقوق عمومی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه است. نتیجه اینکه تحقق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه از جمله برنامه هفتم توسعه نیازمند بسترهای حقوقی مناسب است. برای این منظور لازم است اصل آزادی تجارت و بازار آزاد پذیرفته شده و دخالت دولت در اقتصاد به ایفای نقش تنظیم‌گری محدودشده، حقوق رقابت و خصوصی‌سازی به صورت دقیق و واقعی اجرا شود و برابری و تناسب رعایت گردد.

کلیدواژگان: حقوق عمومی اقتصادی، تناسب، برابری، تجارت آزاد، رقابت، برنامه هفتم توسعه

نحوه استناددهی: حلوانی، سکینه، بهارستان‌فر، محمدرضا، جعفری، محمد حسین و کریمی، محمد حسین. (۱۴۰۴). چالش‌های برنامه هفتم توسعه از منظر حقوق عمومی اقتصادی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۲)، ۱-۱۷.



این تحقیق بررسی و آسیب‌شناسی الزامات برنامه هفتم توسعه از منظر حقوق عمومی اقتصادی بوده و همسو باهدف، سؤال تحقیق چنین مطرح می‌شود که قانون برنامه هفتم توسعه از منظر حقوق عمومی اقتصادی با چه چالش‌هایی روبه‌رو می‌باشد؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا چالش‌های قانونی، سپس چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین شده و در نهایت چالش‌های اجرایی برنامه هفتم توسعه در تحقق حقوق عمومی اقتصادی بررسی می‌شود.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها و بحث

چالش‌های مربوط به نظام قانون‌گذاری در قانون اساسی، قانون برنامه و بودجه و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین شده شامل متفاوت بودن واقعیت‌ها با اهداف برنامه، ناهمخوانی اهداف برنامه با نظریه اقتصادی، عدم انسجام درونی برنامه و داخل سیاست‌ها، حجم زیاد سیاست‌ها و عدم تعیین اولویت‌ها، چالش‌های کاربردی و اجرایی و چالش‌های نظارتی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی حقوق عمومی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه است.

چالش‌های قانونی

چالش‌های مربوط به برنامه‌ریزی را می‌توان در سطح قانون اساسی، در سطح قوانین عادی و در سطح آیین‌نامه‌های مجلس مشاهده کرد.

قانون اساسی

در این قسمت به بررسی چالش‌های مربوط به برنامه‌ریزی در سطح قانون اساسی پرداخته می‌شود.

حقوق عمومی اقتصادی به روابط اشخاص حقوق عمومی شامل دولت، نهادهای محلی و مؤسسات عمومی با یکدیگر، و با اشخاص حقوق خصوصی مثل شرکت‌ها در حوزه خصوصی اشاره دارد. دولت از مهم‌ترین بازیگران در عرصه حقوق عمومی اقتصادی می‌باشد که از طریق وضع قانون در معنای اعم خود اهداف و سیاست‌های اقتصادی خود را مشخص می‌کند و به‌طور کلی چهارچوب فعالیت حوزه اقتصادی را بیان می‌دارد که تعیین برنامه‌های توسعه ازجمله این موارد می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۴۰۱، ۱۰). این در حالی است که در گزارشات منتشر توسط سازمان برنامه و بودجه کشور نیز گویای این واقعیت است که به‌رغم ۶۱۰ میلیارد دلار درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت و گاز در بعضی مقاطع زمانی، شاخص‌های مهم، روند مطلوبی نداشته و برنامه‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، نیازمند بازنگری است (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۰، ۹). درواقع، جایگاه اصول حقوق عمومی اقتصادی مانند حمایت از مالکیت، آزادی و برابری اقتصادی، تضمین و تخصص در ایران در حقوق اساسی اقتصادی پذیرفته شده است. بااین‌حال، علی‌رغم اهمیت این اصول به نظر می‌رسد اصول پیش رو، با مشکلاتی در باب اصل تناسب در برنامه‌های توسعه، زمینه تحقق اقتصاد را نتوانسته است فراهم نماید، لذا سبب شده است تا فرصت رقابت برای تناسب و برابری در عرضه اقتصادی ایجاد نشود. در چنین شرایطی، تجزیه و تحلیل اقتصادی می‌تواند بینش عمیقی را در مورد هنجارهایی که با چهارچوب تنظیم‌کننده اقتصاد و سیاست اقتصادی مرتبط هستند ارائه دهد. بر همین اساس، مطابق با رویکرد حقوقی، تحلیل هنجارهای مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی را از منظر حقوق عمومی، یعنی با توجه به تنظیم اقتصاد برای ارتقای کالاها و خدمات عمومی در نظر گرفته می‌شود. مطابق آنچه گفته شد، هدف

عدم تصریح تدوین برنامه توسعه در قانون اساسی

از هیچ‌یک از اصول قانون اساسی نمی‌توان به‌صورت صریح به شیوه تصویب برنامه‌های توسعه رسید. در هیچ اصل قانون اساسی دولت ملزم به ارائه قانون برنامه توسعه برای تصویب مجلس نشده است. در زمینه بودجه، اصل ۵۲ قانون اساسی دولت را ملزم به تهیه بودجه سالانه و ارائه آن برای تصویب به مجلس شده است. دلیل این نیز شاید این است که بودجه در واقع شامل منابع و مصارف سالانه دولت است و باید به تصویب مجلس برسد. در زمینه قانون برنامه توسعه، چنانچه نیازی به تقدیم برنامه‌های توسعه به مجلس نیز احساس می‌شد، قطعاً به‌صورت صریح در قانون اساسی اشاره می‌شد. سکوت قانون اساسی در این مسئله مهم می‌تواند نشانه‌ای از اختیار دولت در تهیه برنامه‌های میان‌مدت بدون نیاز به تصویب مجلس باشد، به‌طورکلی باید گفت هر جا اجرای برنامه نیازمند حکم قانونی باشد، یا نیازمند بارمالی و اعتبارات باشد، دولت باید در قالب احکام برنامه به مجلس تقدیم کند (Mohaghegh, 2005).

از الزامات حقوق هرگونه اقدام، تعریف دقیق نوع، ماهیت و آثار و لوازم و... آن است. خواه اقدام در عرصه فردی و خواه در حوزه عمومی باشد. متون قانونی یکی از مراجع اصلی در تعیین تعاریف اقداماتی است که آثار حقوق دارد. قانون اساسی کشورها، به‌عنوان یکی از مراجع معتبر بخصوص در اقدامات مربوط به عرصه یا حوزه عمومی است. برنامه‌های توسعه ماهیتاً در حیطه برنامه‌های کلان قرار می‌گیرند، و ازاین‌رو موضوع حقوق در ابعاد مختلف ازجمله ابعاد عمومی آن واقع می‌شوند، لذا از آثار و الزامات اولیه این موضوع، تعریف روشن و بی‌ابهام از «برنامه» است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکری از «برنامه» به معنی خاص، با ویژگی‌هایی که در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دهه‌های اخیر وجود دارد، ملاحظه نمی‌شود. البته برنامه و برنامه‌ریزی به معنی عام امروزه از لوازم ضروری اعمال مدیریت برای رسیدن به اهداف

حاکمیت محسوب می‌شود و می‌توان گفت که قانون اساسی در اصولی که اهداف و وظایفی را برای حاکمیت می‌شمارد الزاماً دلالت بر مطلوبیت برنامه‌ریزی و بلکه ضرورت آن دارد (Mousavi Khoshdel, 2015). در عین حال قانون اساسی در اصل ۱۳۴ به معنی خاصی از «برنامه» اشاره می‌کند و آن را در سلسله‌مراتب مقررات کشور قرار می‌دهد که این معنی بامعنی خاص شناخته‌شده در مورد برنامه‌های پنج‌ساله که به‌عنوان «قانون» به تصویب مجلس می‌رسد، متفاوت است.

نادیده گرفتن عدالت اقتصادی در تحقق سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

مطابق ماده ۵ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران: «به‌منظور مردمی سازی اقتصاد، جلب مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌های دولت و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی» در راستای مردمی سازی دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۸/۱۱/۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی تمامی سهام خود در شرکت‌ها اعم از شرکت‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی به‌استثنای مواردی که منع واگذاری آن‌ها در سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، تصریح شده است را به صورت تدریجی، حداکثر تا پایان سال دوم این قانون واگذار نمایند (Jafari Shahrestani, 2023). همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه صندوق‌های بازنشستگی مکلف‌اند با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی نسبت به واگذاری سهام مدیریتی یا کنترلی خود و شرکت‌های تحت مالکیت حداکثر تا پایان سال دوم برنامه اقدام نمایند. در مواردی که مصلحت ملازمه‌ای در وجود سهام مدیریتی یا کنترلی با پیشنهاد و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای عالی

مصدق اسراف خواهد بود. اسراف و تبذیر در منابع عمومی هر دو از این نظر که در تحلیل نهایی به نقض عدالت در توزیع اولیه منتهی می‌شوند، مغایر با عدالت است.

توضیحات فوق درباره عبارت «کوچک‌سازی دولت» نیز صادق بوده و نمی‌توان آن را در این قالب به‌عنوان یک هدف سیاستی از منظر عدالت توجیه کرد. آنچه باید هدف سیاستی فرض شود بهینه‌سازی یا به‌عبارت‌دیگر متناسب‌سازی اندازه دولت است نه کوچک‌سازی آن. در برخی از بخش‌ها حضور دولت و نقش‌آفرینی آن یک امر زائد بوده و می‌بایست دولت دخالت و حضورش در آن عرصه را کاهش دهد (Ghafrani et al., 2023)؛ اما در برخی از حوزه‌ها عدم حضور دولت به آسیب و نابسامانی در جامعه منجر شده و از قضا نیاز است در این عرصه‌ها دولت تقویت شود و این ممکن است با افزایش حجم و اندازه دولت مقدور باشد. برای مثال ضعف دولت در حوزه نظارت‌های مالی و اقتصادی امر مشهودی است که تبعات آن در معیشت مردم و کاهش اعتبار و کارآمدی دولت نیز قابل رصد است.

قانون برنامه‌بودجه

قانون برنامه‌بودجه که در پی تجربه اجرای طرح‌های عمرانی در کشور ما در تاریخ ۱۳۵۱.۱۲.۱۰ به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید، تنها چارچوب و مجوز تدوین برنامه‌های پنج‌ساله و تصویب آن‌ها در مجلس است (Zolfagharian et al., 2024). بند ۳ ماده یک این قانون، «برنامه عمرانی پنج‌ساله» را چنین تعریف کرده است: «منظور برنامه جامعی است که برای مدت پنج سال تنظیم و به تصویب مجلسین می‌رسد و ضمن آن هدف‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی طی همان مدت مشخص می‌شود. در این برنامه، کلیه منابع مالی دولت و همچنین منابعی که از طرف شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی صرف عملیات عمرانی می‌شود، از یک طرف و اعتبارات جاری و عمرانی دولت

اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی موضوع قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و تصویب هیأت وزیران وجود دارد، صرفاً در حدود و مهلت مصلحت مقرر در مصوبه هیأت وزیران از شمول واگذاری سهام مدیریتی یا کنترلی مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و صندوق‌های بازنشستگی مستثنی است (Salehi Tajrishi, 2023).

علاوه بر این، بر اساس ماده ۱۰۵ قانون برنامه هفتم توسعه، به‌منظور ارتقای بهره‌وری نظام اداری، کاهش هزینه‌های جاری و چابک‌سازی، هوشمندسازی، منطقی‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت، مبتنی بر نقش دولت در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری و کاهش تصدی‌گری اقدامات متعددی انجام شود. ماده (۱۰۵) قانون برنامه هفتم ناظر بر «ارتقای بهره‌وری نظام اداری، کاهش هزینه‌های جاری و کوچک‌سازی اندازه دولت» بوده و احکامی را در راستای تحقق هدف فوق پیشنهاد داده است. واقعیت این است که ماده (۱۰۵) قانون برنامه هفتم، انطباق کمی با عدالت دارد (Ebadi, 2023).

در صدر ماده ۱۰۵ به سه هدف «ارتقای بهره‌وری نظام اداری»، «کاهش هزینه‌های جاری» و «کوچک‌سازی اندازه دولت» اشاره شده است. ارتقای بهره‌وری می‌تواند مورد تأیید و تأکید عدالت باشد. در خصوص ذکر عبارت «کاهش هزینه‌های جاری» به‌عنوان یک هدف، باید بیان داشت که نمی‌توان به‌روشنی از منظر عدالت آن را موجه دانست و این نوع هدف‌گذاری می‌تواند در نهایت به نقض کارآمدی دولت منتهی شود. توضیح آنکه ممکن است حضور دولت در یک عرصه اساساً خطا باشد؛ بنابراین هر نوع هزینه در چنین جایی مصداق تبذیر بوده و خطاست. یا ممکن است حضور و نقش‌آفرینی دولت در جایی ضروری باشد؛ اما به هر دلیلی بیش از میزان لازم برای انجام آن مأموریت هزینه از بیت‌المال صرف شده باشد. در این صورت چنین هزینه‌هایی

و هزینه‌های عمرانی شرکت‌های دولتی، از طرف دیگر، جهت وصول به هدف‌های مذکور پیش‌بینی می‌شود.

بند ۱۰ همین ماده، طرح عمرانی را تعریف کرده و ماده ۷ این قانون نیز در زمینه «تهیه برنامه پنج‌ساله» مقرر کرده است: «سازمان (برنامه‌بودجه) باید قبل از پایان هر دوره برنامه عمرانی پنج‌ساله، برنامه دوره بعد را بر اساس پیشنهادهای دستگاه‌های اجرایی و مطالعات خود و تلفیق آن‌ها با در نظر گرفتن اولویت‌ها تهیه و به شورای اقتصاد تسلیم کند تا پس از بررسی و تأیید برای طرح در هیأت وزیران ارسال دارد.» ماده ۱۲ این قانون نیز در زمینه تأمین بودجه اجرای طرح‌های عمرانی افزوده است: «کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند برنامه سالانه و بودجه سال بعد خود را همراه با اعتبارات جاری و عمرانی مورد نیاز طبق دستورالعمل تهیه به سازمان (برنامه‌بودجه) ارسال دارند.»

در تهیه و تدوین برنامه هفتم، الزامات قانون برنامه‌بودجه، کنار گذاشته و مشتمل بر مواد بی‌ارتباط را تحت عنوان «لایحه برنامه هفتم توسعه ۱۴۰۶ - ۱۴۰۲» تدوین و با یک «پیشگفتار» و «مقدمه» به مجلس تقدیم شد. در پاراگراف آغازین این پیشگفتار چنین آمده است: «برنامه هفتم توسعه چهارمین بُرش از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و اولین برنامه در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که برای تحقق عدالت و با رویکرد مسأله‌محوری بر موضوعات اساسی و مهم کشور تمرکز کرده است. این برنامه با اتکا به اسناد بالادستی از جمله سند تحول دولت مردمی، برنامه‌های اولویت‌دار مشخصی را بر اساس پیشران‌های توسعه محور انتخاب و مبنای حرکت توسعه مستمر و باثبات در جامعه تنظیم و تدوین کرده است» (Hosseini Sadrabadi, 2016).

هرچند عنوان این لایحه «برنامه هفتم توسعه» است و الزاماً باید در چارچوب قانون برنامه‌بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ تنظیم و تقدیم شود ولی برنامه مذکور دربرگیرنده هیچ طرح عمرانی با ویژگی‌های مذکور در بند ۱۰ ماده یک و ماده ۷ این قانون نیست. این برنامه،

موازین قانون‌گذاری که طبق ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس برای تقدیم لوایح قانون‌گذاری باید رعایت شوند رعایت نشده است. روشن‌ترین قاعده قانون‌گذاری که در بند ۱ ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس برای چگونگی تدوین لوایح بر آن تأکید شده، این است که هر لایحه‌ای که دولت به مجلس تقدیم می‌کند باید دارای عنوان و موضوع مشخص باشد و درباره یک موضوع قانون‌گذاری شود، ولی نگاهی به مندرجات پراکنده این لایحه نشان‌دهنده تخلف از ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی است. از آنجا که این لایحه دارای موضوع و عنوان مشخص نیست، مواد آن نیز رابطه‌ای با عنوان آن ندارند.

آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

در برنامه هفتم توسعه، «شیوه تصویب برنامه‌های توسعه در آیین‌نامه داخلی مجلس نیز مورد اشاره قرار نگرفته است. درواقع مجلس از مأموریت قانونی و نیز ابزارهای لازم و تخصص کافی برای ورود به مباحث تخصصی برنامه‌ریزی را ندارد. گفته می‌شود که انتخاب راهبردها و سیاست‌های کلان برنامه، وظیفه دولت است» (Ghafrani et al., 2023). در مورد چالش‌های مربوط فرایند بررسی برنامه هفتم توسعه در مجلس باید گفت از آنجاکه امکان ارجاع لایحه‌ای با ویژگی‌های لایحه هفتم به یک کمیسیون تخصصی وجود ندارد، هیأت رئیسه لایحه را به کمیسیون مشترک، موضوع ماده ۴۳ آیین‌نامه ارجاع می‌دهد. بر اساس این ماده «در مورد طرح‌ها و لوایحی که به تشخیص هیأت رئیسه به دو یا چند کمیسیون ارتباط اساسی داشته باشد، کمیسیون مشترک تشکیل می‌گردد. تعداد اعضای کمیسیون مشترک ۲۳ نفر می‌باشد».

لایحه موسوم به برنامه هفتم با همه ایرادات آن در هیأت وزیران تصویب شد و روز ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ به هیأت رئیسه مجلس داده شد. قاعدتاً چنین لایحه‌ای نباید تدوین و به مجلس تقدیم شود، ولی هیأت رئیسه این مجلس، لایحه برنامه هفتم دولت را اعلام وصول کرد و برای رسیدگی به کمیسیون «تلفیق» ارجاع داد. چنین

کمیسیون‌های تخصصی مجلس ندارد. این کمیسیون از چند نماینده از هر کمیسیون تشکیل شده و بنابراین یک کمیسیون تخصصی نیست؛ این در حالی است که لوایح بودجه‌سالانه و برنامه پنج‌ساله، الزاماً باید به کمیسیون تخصصی بودجه‌ارجاع داده شده و اعضای این کمیسیون با دیدگاه تخصصی به آن‌ها رسیدگی کنند. طبیعت لایحه برنامه پنج‌ساله عمرانی نیز دارای ویژگی مالی است و هزینه‌های اجرای طرح‌های عمرانی باید در لوایح بودجه‌سالانه تا پایان اجرای کامل هر طرح عمرانی بر پایه اصل ۵۲ قانون اساسی به تصویب کمیسیون بودجه و سپس به تصویب مجلس برسد (Shahraeeni, 2023).

کمیسیون تلفیق در رسیدگی به لایحه برنامه هفتم به‌دستکاری‌های گسترده‌ای در آن پرداخت و تعداد احکام این لایحه را که ۵۴۵ حکم بود، به ۱۰۰۸ حکم افزایش داده است؛ همین امر زمینه‌ساز نامه اعتراضی رئیس جمهور به رهبری شد «خبرآنلاین، ۳ آبان ۱۴۰۲». سرانجام، لایحه دولت پنج ماه پس از تقدیم آن به مجلس با اصلاح گسترده، روز یکم آذر ۱۴۰۲ به تصویب رسید و به شورای نگهبان فرستاده شد. مندرجات مصوبه مجلس در این برنامه پنج‌ساله به ۱۴۸ ماده، ۱۴۵ تبصره و ۳۳ ماده‌الحاقی افزایش یافت که جایگاهی در برنامه عمرانی پنج‌ساله ندارند.

در کل این فرایند دارای ایراداتی است: ایراد نخست آن است که این ماده منطبق منسجم پیش‌بینی‌شده در آئین نامه برای تصویب قوانین را به تناقض کشانیده است. زمانی که لوایح و طرح‌های قانونی با یکی از وزارتخانه‌ها ارتباط اساسی دارند، فقط با یک کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارتباط اساسی خواهند داشت. طبق مواد ۱۳۱ و ۱۳۵ آئین‌نامه داخلی، لوایح و طرح‌های قانونی، دارای تعریف جامع و مانعی هستند که لزوماً آن‌ها را به یک وزارتخانه و یک کمیسیون اصلی در مجلس مرتبط و متصل می‌سازد. فرایند پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۳ آئین‌نامه، این قاعده را نقض کرده است. از لحاظ سابقه تاریخی ماده ۹۱ آئین‌نامه داخلی

چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین شده در این قسمت تلاش شده چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین شده از منظر حقوق اقتصادی عمومی بررسی شود.

متفاوت بودن واقعیت‌ها با اهداف برنامه

لایحه برنامه هفتم توسعه برای سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ با هدف‌های بلندپروازانه تقدیم مجلس شد. در این یادداشت برای تحلیل برنامه مزبور سه‌ماده از ۳۰۲ ماده آن مورد توجه قرار می‌گیرد: ماده ۲ درباره هدف‌های برنامه، ماده ۳ درباره تأمین منابع برنامه و ماده ۱۰۰ درباره سیاست‌های خارجی. با بررسی این سه ماده این سؤال مطرح می‌شود که دولت چه کارهای متفاوت از دو سال گذشته قرار است انجام دهد تا یک جهش معجزه‌آسا در روند سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی رخ دهد؟ در ماده ۲ برنامه هفتم توسعه، هدف رشد اقتصادی طی برنامه ۸ درصد در سال در نظر گرفته شده است که ۲/۸ درصد از طریق افزایش بهره‌وری تأمین خواهد شد. هدف رشد اقتصادی در برنامه‌های پنجم و ششم نیز ۸ درصد در سال تعیین شده بود؛ ولی آمارها نشان می‌دهد متوسط

نرخ رشد اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ نزدیک به صفر یا ۰/۲ درصد در سال بود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱، ۹۴-۱). طبعاً جهش در رشد تولید، نیاز به جهش در منابع برای سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار دارد. نیاز به این جهش در حالی است که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، تشکیل سرمایه با قیمت ثابت از سال ۱۳۹۰ در ۱۰ سال گذشته همواره روند نزولی داشته و انباشت سرمایه در بخش نفت و گاز، صنعت و معدن، ساختمان و ارتباطات نیز از سال ۱۳۹۱ به بعد منفی شده است. به‌علاوه شاخص رقابت‌پذیری در ایران از رتبه ۸۸ در سال ۲۰۱۷ به رتبه ۹۹ در سال ۲۰۱۹ در بین ۱۴۰ کشور سقوط کرده و ایران از نظر ثبات اقتصادی هم بین ۱۴۰ کشور در سال ۲۰۱۹ رتبه ۱۳۴ را به دست آورده است چه آنکه تورم در چند سال اخیر بین ۴۰ تا ۶۰ درصد در سال بود.

همچنین طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ به علت فضای نامناسب کسب‌وکار و مخاطرات اقتصادی و سیاسی، خروج سرمایه (بر اساس آمارهای خالص حساب سرمایه منتشرشده از سوی بانک مرکزی) به ترتیب ۹۹۳۵، ۲۴۹، ۶۳۱۸ و ۹۳۳۳ میلیون دلار بوده است. به عبارت دیگر درحالی‌که کشور برای رشد اقتصادی تشنه سرمایه‌گذاری است، در سال ۱۴۰۰ حدود ۹/۳ میلیارد دلار به‌جای سرمایه‌گذاری در کشور از کشور خارج شده است. با توجه به شرایط نامطلوب گذشته در روند سرمایه‌گذاری، فضای کسب‌وکار و خروج سرمایه از کشور، تأمین منابع لازم برای رشد جهش‌گونه کاری بزرگ و شاید نشدنی باشد (Bagherpour Oskoui, 2024).

در ماده ۳ قانون برنامه هفتم توسعه، وزارت امور اقتصادی مکلف شده است با همکاری سایر دستگاه‌ها منابع لازم را برای هدف رشد اقتصادی در سال‌های برنامه تأمین کند. مواردی که در برنامه ذکر شده است که مورد توجه وزارت اقتصاد با همکاری سازمان‌های دیگر قرار گیرد، شامل بازار سرمایه، بانک‌ها،

سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی، مولدسازی اموال و صندوق توسعه ملی است. درباره سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی خارجی تأکید شده است که حداقل ۱۰ میلیارد یورو در سال جذب شود. این در حالی است که تحقق هدف جذب سرمایه مستلزم ثبات اقتصادی، فضای کسب‌وکار مناسب و کاهش ریسک‌های سیاسی و اجتماعی و بالاخره داشتن روابط خارجی مناسب با اقتصادهای پیشرفته است.

ماده ۱۰۰ برنامه در جهت مبارزه با استکبار جهانی و استمرار سیاست خارجی چند سال گذشته تکلیف شده است. در صورت ادامه سیاست‌های خارجی سال‌های گذشته، به احتمال زیاد تحریم‌ها ادامه پیدا خواهد کرد و ایران در لیست سیاه اف.ای.تی.اف باقی می‌ماند و ارتباط سیستم بانکی ایران با خارج از کشور همچنان قطع خواهد بود. ادامه تحریم‌ها و انزوای نظام بانکی ایران موجب محدودیت در فروش نفت و دریافت پول آن می‌شود. محدودیت درآمدهای نفتی از یک طرف و حجم بزرگ و روبه افزایش دولت از طرف دیگر موجب ادامه کسری بودجه و تورم حداقل ۴۰ تا ۶۰ درصدی می‌شود و در نتیجه ثبات اقتصادی که لازمه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است، فراهم نمی‌شود. استمرار تورم فشار بر گروه‌های کم‌درآمد را افزایش و امکان ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی را افزایش می‌دهد (Fallahi & Ghafari Zadeh, 2023).

تحریم‌ها همچنین موجب عدم همکاری شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان منابع مالی در کشورهای بزرگ و صنعتی حتی از کشورهای نظیر چین می‌شود که با ایران توافق‌نامه‌هایی را امضا کرده‌اند. بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و صنایع بزرگ و صاحب تکنولوژی در هر کشوری از جمله چین هم که باشند با وجود تحریم‌ها از همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران اجتناب می‌کنند تا بازارهای بزرگ خود را دچار مخاطره نکنند. به‌علاوه در نتیجه تحریم‌ها بازار صادرات ایران محدودشده و برگشت پول صادرات و واردکردن کالا به ایران

است که سهم بانک‌های عامل و وثایق را تعیین می‌کند. اما این ماده برای نحوه تعامل بین نهادهای عمومی غیردولتی، این نهادها با بانک‌های عامل و با دستگاه‌های اجرایی، راهکاری پیشنهاد نداده است و نقش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی این موضوع، مشخص نیست. همچنین مکانیزم تأمین مالی و نظارت بر اجرای این ماده نیز اشکالات جدی دارد.

ناهمخوانی اهداف برنامه با نظریه اقتصادی

یکی از چالش‌های اساسی برنامه هفتم توسعه در زمینه حقوق اقتصادی عمومی، ناهمخوانی اهداف برنامه با نظریه اقتصادی است. مطابق ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم توسعه، وزارت راه و شهرسازی مجاز است از طریق توافق با مالکین اراضی غیردولتی فاقد کاربری مسکونی با رعایت ماده (۸) قانون جهش تولید مسکن نسبت به تأمین زمین برای اجرای طرح‌های حمایتی ساخت مسکن یا احداث شهرک‌های مسکونی توسط بخش خصوصی اقدام کند. این ماده ممکن است برای کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد و قم به یک تهدید تبدیل شود چراکه بارگذاری‌های مسکونی در اراضی غیرمسکونی، بر تراکم و ازدحام این شهرها که درحال حاضر از تراکم بیش از حد رنج می‌برند افزوده می‌شود و لذا بر مشکلات زیست‌محیطی، ترافیکی و اجتماعی در کلان‌شهرها می‌افزاید. علاوه بر آن احداث شهرک‌های مسکونی به بخش خصوصی سپرده‌شده، با توجه به اهمیت مشارکت‌پذیری مردم می‌توان از ظرفیت‌های تعاونی‌ها برای ساخت مسکن استفاده کرد. حضور سرمایه‌دارها و بخش خصوصی می‌تواند در میان‌مدت توازن قیمتی مسکن را بر هم بزند (Karbasian, 2023).

در ماده ۱۱۶ وزارت راه و شهرسازی مجاز است برای تأمین منابع نسبت به تهاتر اراضی در اختیار خود با پیمانکاران بر اساس قیمت کارشناسی روز اقدام کند. با توجه به اینکه بخش قابل‌توجهی از اراضی در اختیار وزارت راه و شهرسازی در حریم شهرها قرار دارد، از این‌رو شاهد ارزش‌افزوده اراضی متصل به محدوده شهری

پرهزینه خواهد شد. از سوی دیگر تحریم‌ها شرایطی را ایجاد می‌کنند که فضای سرمایه‌گذاری کشور نامطمئن شود و فرار سرمایه ادامه پیدا کند. کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه مالی موجب عدم توسعه ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی و رکود می‌شود و مهاجرت نیروهای تحصیل‌کرده را افزایش می‌دهد. خروج نیروهای تحصیل‌کرده و متخصص و کاهش سرمایه‌گذاری و فرسودگی ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی نیز سبب کاهش یا حداقل عدم رشد بهره‌وری می‌شود.

بنابراین با توجه به کاهش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در دهه گذشته، خروج سرمایه و مهاجرت زیاد نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده در سال‌های اخیر بعید است با سیاست‌های خارجی مندرج در برنامه هفتم بتوان منابع لازم برای تحقق هدف‌های برنامه را تجهیز کرد و سرمایه‌گذاری را افزایش داد؛ به‌ویژه اگر تنش‌های فرهنگی و اجتماعی یک‌سال گذشته نیز ادامه پیدا کند، شرایط را سخت‌تر می‌کند.

یکی از مصادیق دیگر متفاوت بودن واقعیت‌ها با اهداف برنامه، چالش‌های اشتغال در برنامه هفتم توسعه است. یکی از مهم‌ترین مسائل کشور در سال‌های اخیر نرخ بالای بیکاری به‌خصوص برای جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه طی دو دهه اخیر رشد اشتغال بوده است. برنامه هفتم توسعه نیز با همین استدلال هدف کمی یک‌میلیون اشتغال در سال را هدف‌گذاری نموده و در ماده (۶) این قانون سعی شده سمت تقاضای بازار کار تحریک شود. این ماده متمرکز بر رویکرد حمایتی اشتغال‌زایی و تأمین معیشت از طریق نهادهای عمومی غیردولتی با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأکید بر پرداخت منابع ارزان‌قیمت است که با تحقق رشد ۸ درصدی اقتصاد در برنامه سازگاری ندارد (Vahidpour et al., 2023). مکانیزم تأمین مالی این ماده به‌صورت پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و ارزان‌قیمت و با محوریت بانک مرکزی

خواهیم بود که این اتفاق می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

در ماده ۵۲ قانون برنامه هفتم توسعه، جهت تشویق مالکان به مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده، وزارت راه و شهرسازی مجاز است در فرآیند معاوضه کلید به کلید واحدهای بافت فرسوده با واحدهای نوساز یا اراضی تحت مالکیت خود در قیمت کارشناسی واحدهای نوساز یا اراضی معوض مزبور، تا سقف چهل درصد تخفیف اعمال کند یا اراضی یا واحدهای مسکونی واقع در بافت فرسوده را تا سقف ۴۰ درصد بیش از قیمت کارشناسی قیمت‌گذاری کند. در این ماده نوع مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده معین نشده، یکی از چالش‌های اساسی در بافت‌های فرسوده تراکم جمعیتی است. بهتر بود در این قسمت بازه تراکمی نیز بیان می‌شد. در قسمتی بیان شده است واحدهای مسکونی واقع در بافت فرسوده را تا سقف ۴۰ درصد بیش از قیمت کارشناسی قیمت‌گذاری کند. مبنای این سقف ۴۰ درصد مشخص نشده و اساساً قیمت‌گذاری و این نوع مداخله در بافت به این نحو مسئله را حل نمی‌کند (Farahani, 2023).

سیاست‌های مسکن در دهه‌های اخیر باعث ایجاد کلونی مختص سرمایه‌دارها شده از این‌رو برنامه‌ها در سطح میدانی، تابع هزینه-فایده بوده و مؤلفه‌های دیگر نادیده گرفته شد که خروجی آن ایجاد حباب در بخش مسکن و نگاه سرمایه‌ای به خانه شده است. به نظر می‌رسد چالش اصلی برنامه هفتم در بخش مسکن نبود شاخص و معیار جهت سنجش و ارزیابی برنامه‌ها، عدم انسجام و ارائه راهبرد کیفی‌و کمی برای حل مسئله مسکن است (Khademi & Choobdar, 2023). با توجه به افزایش دهشتناک هزینه مسکن در ایران که سهم قابل‌تأملی از آن متعلق به زمین است برنامه هفتم می‌توانست قفل عدم عرضه اراضی بایر و موات را بشکند اما برنامه در این مورد مسکوت مانده است.

عدم انسجام درونی برنامه

یکی از چالش‌های مهم برنامه هفتم توسعه در زمینه حقوق اقتصادی عمومی، ناسازگاری و عدم انسجام درونی مستندات برنامه است. ضروری است میان اهداف تعیین‌شده در برنامه ارتباط و سازگاری لازم وجود داشته باشد. به‌علاوه همان‌گونه پیش‌تر اشاره شد، اهداف می‌باید به‌طور واقع‌بینانه و به‌دوراز بلندپروازی‌ها و با در نظر گرفتن توازن میان اهداف متصور و منابع موجود تعیین شود (Shojaei Fard, 2023). در برنامه هفتم در برخی موارد مربوط به حقوق اقتصادی عمومی، انسجام درونی میان مستندات برنامه وجود ندارد.

ناسازگاری و عدم انسجام درونی برنامه هفتم توسعه در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی از جمله مصادیق در این زمینه است. یکی از مهم‌ترین مصادیق در این زمینه عدم انسجام میان رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و مسئله تحریم‌هاست. برنامه هفتم توسعه با آسیب‌شناسی عدم تحقق اهداف ۶ برنامه گذشته تدوین‌شده است و بر این اساس برای هدف‌گذاری رشد اقتصادی ۸ درصدی، راهکارهایی از سوی دولت تمهید شده که تدوین برنامه تأمین مالی در پایان هر سال برنامه و تأمین مالی خارجی ۱۰ میلیارد یورویی سالانه از جمله این راهکارها است. رشد اقتصادی پیش‌بینی شده تا پایان برنامه هفتم توسعه، ۸ درصد هدف‌گذاری شده و مواد ۲ تا ۶ لایحه برنامه هفتم توسعه به رشد اقتصادی اختصاص دارد. راهکار دولت برای رسیدن به این رشد اقتصادی، شامل تدوین برنامه تأمین مالی در پایان هر سال برنامه، تأمین مالی خارجی ۱۰ میلیارد یورویی سالانه، تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و مردمی‌سازی و مولدسازی شرکت‌ها و دارایی‌های دولتی، طرح‌های کلان پيشران و زنجیره ارزش و احکام حوزه‌های انرژی، مسکن، ترانزیت و سلامت است (سلیمانی پورلک، ۱۴۰۲، ۳۷۱-۴۰۰).

یکی از چالش‌ها و مسائل مهم در زمینه جذب سرمایه گذاری خارجی، وجود تحریم‌هاست. فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان راهکار و روش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه

سوی دیگر تعریف شده، محدود و دارای اولویت مشخص باشد اما یکی از اشکالات این برنامه عدم تعیین اولویت بندی در حل مسائل مدنظر این برنامه است، چراکه اولاً منابع کشور برای حل تمام مسائل موردنظر این برنامه محدود است ثانیاً برخی از این مسئله‌ها معلول مسائل دیگر است و اگر منابع محدود مالی و غیرمالی کشور تمرکز خود را معطوف به حل علت‌ها کند هم تمام مسائل هدف این برنامه به‌طور ساختاری و ریشه‌ای حل می‌شود و هم اینکه مسائل معلولی نیز خودبه‌خود و با هزینه به‌مراتب کمتر حل خواهد شد. به‌عنوان نمونه در موضوع ناترازی‌های مختلف اقتصادی مانند ناترازی در حوزه انرژی، بانکی، بودجه، صندوق‌های بازنشستگی، تأمین مالی کشور که در ساختار اقتصادی کلان کشور وجود دارد، باید حل این ناترازی‌ها به ترتیب اولویت باشد چرا که بر اساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی ناترازی بانکی ریشه در ناترازی‌های بودجه دارد و ناترازی بودجه ریشه در ناترازی‌های انرژی و صندوق‌های بازنشستگی دارد و بدین ترتیب با اولویت‌بندی در حل این ناترازی‌ها متعاقباً بخش مهمی از ناترازی‌های دیگر به‌خصوص در حوزه بانکی که سربیزی بسیاری از ناترازی‌ها و مشکلات دیگر بر آن تحمیل می‌شود حل خواهد شد.

چالش‌های اجرایی

در این قسمت تلاش شده، مهم‌ترین چالش‌های کاربردی و اجرایی برنامه هفتم توسعه در راستای تحقق حقوق اقتصادی عمومی بررسی شود.

عدم همخوانی دوره زمانی دولت تدوین‌کننده و دولت

اجراکننده برنامه‌های توسعه

به‌موجب اصل ۱۱۴ قانون اساسی دوره ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران چهار سال است که تا یک دوره قابل تمدید است هرچند قانون اساسی حکم صریحی در خصوص برنامه‌های توسعه و مدت آن ندارد لکن به‌طور کلی در اصل ۱۲۶

هفتم توسعه تعیین شده است اما چالش مهم در فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف توسعه‌ای به‌موجب برنامه هفتم وجود تحریم‌های مستمر و تشدید شونده علیه ایران است (Razavi & Pirani, 2022). از این رو، لغو یا خنثی‌سازی آثار تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای حائز اهمیت فراوانی است. بنابراین در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در فرآیند اجرای برنامه هفتم توسعه باید به این نکته توجه کافی مبذول شود.

تداخل سیاست‌ها، حجم زیاد سیاست‌ها و عدم تعیین اولویت‌ها

یکی از ضرورت‌های برنامه‌های توسعه، تعیین اهداف مشخص و تعیین اولویت‌هاست. برای نخستین بار در این برنامه، اهداف رشد تولید ناخالص داخلی سالانه طبق روال گذشته شامل یک هدف رشد ناخالص داخلی برای دوره پنج‌ساله نمی‌شود؛ بلکه اهداف رشد، سالانه تنظیم می‌شود و به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا اهداف رشد را با شرایط اقتصاد کلان تطبیق دهند. هدف توسعه بلندمدت چین تبدیل شدن به یک کشور است که تا سال ۲۰۳۵ نیاز به رشد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی ۴.۷ درصد در ۱۵ سال آینده را دارد. اهداف دیگر این برنامه، شامل بهره‌وری نیروی کار فعال سریع‌تر از تولید ناخالص داخلی پس از یک دهه کاهش است که در زمینه یک جامعه سالخورده با کاهش نیروی کار مهم است. مشوق‌های مالی، دسترسی بیشتر به اعتبارات، استفاده بیشتر از زمین‌های صنعتی، ابزارهایی است که از این بخش حمایت می‌کنند (Mehralitabar Firoozjani & Ali Beygi Alavi, 2021).

تمرکز اصلی چین در چهاردهمین برنامه پنج‌ساله این کشور، بر رشد و نوآوری است. در ایران نیز، دامنه و حوزه هدف‌ها در برنامه هفتم می‌باید به‌طور مشخص تعیین و اولویت آن‌ها روشن شود. اولویت‌بندی اهداف می‌باید از یک سو در چارچوب و در انطباق با اهداف راهبردی مندرج در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد و از

قانون اساسی، مسئولیت امور برنامه‌بودجه به رئیس‌جمهور داده شده است. از طرفی مطابق بند ۳ ماده ۱ قانون برنامه‌بودجه مصوب ۱۳۵۱ مدت برنامه‌های میان‌مدت توسعه، پنج سال پیش‌بینی شده است. دوگانگی زمانی برنامه توسعه (۵ سال) و دوره ریاست جمهوری (۴ سال) موجب شده که هر برنامه الزاماً در فرایند، خود دو دولت را طی کند و این امر به بروز اختلاف دیدگاه‌های احتمالی دولت‌ها باهم و در نهایت تغییرات گسترده در برنامه‌ها نوسانات زیاد در اجرا یا برخورد گزینشی با آن‌ها منجر می‌شود. بنابراین این مشکل پیش می‌آید که برنامه‌های توسعه لزوماً برنامه‌های همسو با سیاست‌های دولت‌ها نیستند و این امر موجب بی‌اعتنایی به اجرای مفاد آن و حتی مقاومت منفی در برابر آن، مثل استنکاف از تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مواد قانون برنامه توسعه می‌شود.

به‌طور کلی عدم هم‌زمانی دوره‌های چهارساله مجلس و دولت و نیز عدم تطابق دوره‌های پنج‌ساله برنامه‌ها با دوره‌های مجلس و دولت در بسیاری از اوقات مقدمه چالش‌هایی در مورد برنامه شده است. طرح برنامه‌های توسعه از سال ۱۳۵۱ سابقه دارد. «پس از انقلاب مسئولیت اجرای آن‌ها بر عهده مقام نخست‌وزیری بوده که البته از سال ۱۳۶۸ و با تغییر قانون اساسی به رئیس‌جمهوری محول شده است. با تغییر نظام اجرایی کشور از سال ۱۳۶۸ زمینه برای بروز تداخل میان برنامه‌های ۵ ساله و دوره ۴ ساله دولت در قانون پایه‌گذاری شده است» (تشکینی و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ۳۵). بهترین روش، تمرکز روی برنامه‌های بودجه یک‌ساله است. ایران با مشکلات داخلی و تحریم‌ها و مسائل بین‌المللی روبه‌رو است، بنابراین هدف‌گذاری‌های ۵ ساله، کار قابل انجامی به نظر نمی‌رسد و برنامه هفتم توسعه مصداقی از موضوع است.

عدم تهیه برنامه‌های عملیاتی، یا تأخیر در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی

عدم تهیه برنامه‌های عملیاتی، یا تأخیر در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی یکی از چالش‌های اجرایی برنامه هفتم توسعه در راستای تحقق حقوق عمومی اقتصادی است. به‌عنوان مثال، قرار بود دولت بودجه ۱۴۰۲ را بر مبنای قانون برنامه هفتم توسعه تدوین کند اما چون برنامه هفتم به مجلس نرسید، بودجه بر مبنای برنامه ششم تصویب شد. بالاخره بعد از تأخیرهای ادامه‌دار، اواخر خرداد امسال دولت لایحه برنامه هفتم توسعه را تحویل مجلس داد و مجلس به بررسی لایحه پرداخت اما لایحه برنامه ششم، هفت‌ساله شد و تا اواخر سال ۱۴۰۲ تمدید شد.

تأخیر در تدوین برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی از جمله مصادیق تأخیر در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی است. در خصوص برنامه هفتم لازم به ذکر است که برخی مصادیق مرتبط با حقوق عمومی اقتصادی، با تأخیر در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مواجه می‌شود. تدوین قانون برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی ظرف ۶ ماه از جمله مصادیق در این زمینه است. مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط، موظف است در راستای حمایت از توسعه زیست‌بوم تحول‌آفرین هوش مصنوعی قابل‌اعتماد و پایدار، ظرف شش ماه از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، «برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی» را به‌منظور تعیین چهارچوب‌ها و سازوکار تعامل تمامی ذی‌نفعان، فراهم کردن دانش و زیرساخت‌های پایدار فنی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، ترویج و افزایش آگاهی نسبت به کارکردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف و همچنین آگاهی نسبت به خطرات بالقوه آن را تدوین و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برساند. بر اساس آخرین اخبار در این خصوص، باگذشت ۱۱ ماه از سال ۱۴۰۳، در ابتدای اسفند ۱۴۰۳، تصویب کلیات «برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی» به تصویب رسید.

را مطلوب ارزیابی کرده‌اند ۵۲ درصد سازمان‌ها میزان همکاری مرکز آمار ایران با سایر واحدهای آماری را متوسط یا ضعیف ارزیابی کرده و مرکز آمار ایران نیز میزان همکاری سایر واحدهای آماری با آن مرکز را در تبادل اطلاعات در کل متوسط ارزیابی کرده است و ۶۳ درصد سازمان‌ها اعلام کرده‌اند از مجوزهایی به‌غیر از قانون مرکز آمار ایران برای تولیدات آماری استفاده می‌کنند (Abdollahi et al., 2022).

آسیب‌شناسی نظام اطلاعات بازار کار ایران نشان می‌دهد که این حوزه دارای چالش‌های متعددی از جمله فقدان الگو و راهبرد مشخص درخصوص سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی آماری، نبود متولی مشخص، پراکندگی و موازی‌کاری، فقدان مکانیسم نظارتی و فقدان تکلیف قانونی مصرح برای همکاری و هماهنگی بین نهادهای متولی آمار و اطلاعات بازار کار است. همچنین علاوه بر عدم استقرار نظام جامع ثبتی مبنای داده‌های موجود نیز ضعف‌هایی وجود دارد؛ که از جمله آن می‌توان به فقدان عملکرد مشخص از کارایی‌ها، نبود داده‌های کارگاه‌های خرد و کوچک، عدم استخراج داده‌هایی نظیر اندازه‌گیری مهارت، فرصت‌های شغلی خالی، آمار سازمان‌های آموزشی و مهارت‌آموزی کشور اشاره کرد (Azizkhani et al., 2021). رفع این موارد نیازمند الزامات تقنین و اجرایی است که بخشی از آن می‌توانست در احکام برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی و ابلاغ گردد.

عدم ضمانت اجرایی برنامه‌ها

عدم ضمانت اجرایی برنامه‌ها از مهم‌ترین چالش‌های برنامه هفتم توسعه در زمینه تحقق حقوق عمومی اقتصادی است. به‌عنوان نمونه در ماده ۳۱ قانون برنامه هفتم توسعه در خصوص توسعه عدالت اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد حقوق اقتصادی عمومی به دستورالعمل‌هایی پرداخته شده است اما ضمانت اجرایی دقیق و روشنی برای این دستورالعمل‌ها تعیین نشده است. در بندهای «الف» تا «ث» ماده ۳۱ قانون برنامه هفتم توسعه، احکامی با هدف

علاوه بر این می‌توان به تأخیر در تدوین سند نظام اقتصاد رقومی (دیجیتال) نیز اشاره کرد. بر اساس ماده ۶۶ قانون برنامه هفتم توسعه، به‌منظور افزایش سهم اقتصاد رقومی (دیجیتال) از تولید ناخالص ملی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است وفق «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی»، سند «نظام اقتصاد رقومی (دیجیتال)» را با همکاری دستگاه‌های عضو کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال دولت، ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، تهیه کند و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برساند. بر این اساس، تنظیم‌گران بخشی و سکوها فضای مجازی و اقتصاد رقومی (دیجیتال) ملزم به رعایت الزامات و تقسیم‌کار نهادی این سند هستند. مسدودسازی و پالایش این سکوها منوط به رعایت این الزامات و مسئولیت‌های ناشی از قوانین، صرفاً بر عهده مرکز ملی فضای مجازی است. این در حالی است که باگذشت ۱۱ ماه از سال ۱۴۰۳، هنوز چنین سندی به تصویب نرسیده است و بر اساس آخرین خبرهای موجود در اوایل اسفند ۱۴۰۳، سند «نظام اقتصاد دیجیتال» به‌زودی جهت تصویب به هیئت دولت ارائه خواهد شد.

دولتی بودن نظام آمار

دولتی بودن مراکز آماری و عدم استقلال آن‌ها دلیل اصلی ناکارایی نظام آمار است (خیرخواهان، ۱۳۹۶، ۴۱۱-۳۸۸). درواقع دولتی بودن خود مانعی برای فعالیت کارای این مراکز است زیرا همواره نهادهای مستقل از کارایی بیشتری نسب به مراکز دولتی برخوردار هستند. بنابراین برای آنکه مشکلات آماری کشور برطرف شود باید مراکز آماری از وابستگی به دولت خارج شوند و به‌صورت مستقل فعالیت کنند. بر اساس نظرسنجی صورت گرفته از دو گروه خبرگان آماری و سازمان‌های آماری درباره نظام آماری ایران در مورد مطلوبیت عملکرد شورای عالی آمار فقط ۲/۴ درصد از خبرگان و ۴ درصد از سازمان‌های آماری عملکرد شورای عالی آمار که مهم‌ترین نهاد ایجاد هماهنگی در نظام آماری ایران است

هدفمندسازی یارانه انرژی، معافیت مالیاتی برای خانوارهای زیر خط فقر، استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه، تشکیل پرونده الکترونیک رفاهی، نظام پنجره واحد خدمات حمایتی و اشتراک اطلاعات نظام مالیاتی با حمایتی در نظر گرفته شده است. بند «الف» به دولت اجازه می‌دهد تا زیرساخت‌های لازم برای بهره‌مندی برابر ایرانیان از یارانه حامل‌های انرژی را ایجاد کند. در حال حاضر یارانه حامل‌های انرژی مانند گاز شهری و بنزین بر قیمت انرژی وضع می‌شوند و خانوارهایی که صاحب خودرو هستند و یا مصرف انرژی بالاتری دارند (یعنی در دهک بالاتری قرار می‌گیرند) سهم بیشتری از این یارانه خواهند داشت. دربند «ب» این ماده، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف به اقداماتی در جهت برقراری مالیات با نرخ صفر برای خانوارهای پایین‌تر از خط فقر شده است (عزیزیان و سرمست شوشتری، ۱۴۰۲، ۱۵۸-۱۲۳). در این حکم، عبارت «خانوارهای زیرخط فقر» ابهام دارد؛ چراکه خط فقر می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی محاسبه شود و در این حکم متولی و شیوه محاسبه خط فقر مشخص نشده است. ثانیاً در حال حاضر به دلیل ضعف پایگاه‌های اطلاعاتی و تمرکز خانوارها در حوالی خط فقر، نمی‌توان با دقت قابل قبولی خانوارهای زیرخط فقر را تفکیک کرد.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این پرسش پرداخته شد که قانون برنامه هفتم توسعه از منظر حقوق عمومی اقتصادی با چه چالش‌هایی روبه‌رو می‌باشد؟ نتایج بر این امر دلالت دارد که حقوق اقتصادی عمومی در قانون برنامه هفتم توسعه با چالش‌هایی متعددی مواجه است. قانون اساسی، عدم تصریح تدوین برنامه توسعه در قانون اساسی، نادیده گرفتن عدالت اقتصادی در تحقق سیاست‌های اصل

۴۴ قانون اساسی، قانون برنامه و بودجه، آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مهمترین چالش‌های مربوط به نظام قانونگذاری است. متفاوت بودن واقعیت‌ها با اهداف برنامه، ناهمخوانی اهداف برنامه با نظریه اقتصادی، عدم انسجام درونی برنامه، تداخل سیاست‌ها، حجم زیاد سیاست‌ها و عدم تعیین اولویت‌ها، چالش‌های مربوط به اهداف و ماهیت سیاست تدوین شده است. عدم همخوانی دوره زمانی دولت تدوین کننده و دولت اجرا کننده برنامه‌های توسعه، عدم تهیه برنامه‌های عملیاتی، یا تاخیر در تدوین آیین نامه‌های اجرایی، دولتی بودن نظام آمار و عدم ضمانت اجرایی برنامه‌ها مهمترین چالش‌های کاربردی و اجرایی است. با توجه به نبود تعریف توسعه و انتخاب راهبرد مناسب آن، بسیاری از مفاهیم مورد استفاده در جامعه و به ویژه در برنامه ریزی توسعه، تعریف نشده باقی مانده است. لذا هر شخص و گروهی طبق استنباط شخصی عمل می‌کند برای مثال ادعا شده بود برنامه سوم توسعه، برنامه‌ای ساختاری است اما هیچ تعریفی علمی از آن ارائه نشده بود. لازم است برنامه ریزی توسعه باید مبتنی بر استفاده از دستاوردهای علمی و فنی و به عبارتی مبتنی بر تحقیقات انجام شده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان و ایران باشد. این در حالی است که متأسفانه به دلیل روش تهیه برنامه تا حدود زیادی برنامه ریزی در ایران فارغ از بهره‌گیری از دستاوردهای تحقیقاتی است. لذا روشهای موجود برنام ریزی در ایران به دلیل ضعف علمی، تخصصی، فاقد کارایی لازم است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Economic public law, as a crucial dimension of public legal systems, regulates the interactions between public entities (such as the state and government institutions) and private entities

(such as corporations) in the economic sphere. Its foundational principles include economic freedom, equality, public interest, and proportionality. Despite its importance, Iran's developmental plans—particularly the

Seventh Development Plan—have insufficiently integrated this legal perspective into their formulation and implementation. This article aims to explore the key structural and functional challenges that the Seventh Development Plan faces from the perspective of economic public law. One of the fundamental challenges arises from the legal framework itself: the Iranian Constitution does not explicitly require the government to submit development programs for parliamentary approval. Although the Constitution mandates submission of the annual budget, it is silent regarding multi-year development plans, raising questions about the legal status and enforceability of such programs (Mohaghegh, 2005; Mousavi Khoshdel, 2015). Moreover, the economic justice objectives enshrined in Article 44 of the Constitution have not been fully realized in the legal mandates of privatization and administrative downsizing. For example, Article 105 of the Seventh Plan, which aims at reducing the government's size, has not been grounded in a just evaluation of state functions and risks overlooking critical areas where government involvement remains essential (Ebadi, 2023; Ghafrani et al., 2023). This lack of legal precision dilutes the enforcement and coherence of public economic law within national policy.

In addition to constitutional and legislative issues, a second cluster of challenges involves the mismatch between the plan's goals and the economic realities of Iran. While the plan sets an ambitious target of 8% annual GDP growth—with 2.8% from productivity gains—such figures appear unrealistic when juxtaposed with the country's economic trajectory in recent decades. Empirical evidence from the 2010s reveals that Iran's average growth was close to zero or even negative, hindered by persistent sanctions, economic instability, and low capital formation (Bagherpour Oskoui, 2024).

Moreover, the plan's proposal to attract at least €10 billion annually in foreign direct investment overlooks the broader international climate and the ongoing isolation of Iran's financial institutions due to sanctions. This contradiction undermines the very feasibility of the policy objectives outlined in Article 3 and reflects a broader trend of planning disconnected from empirical data and macroeconomic conditions (Fallahi & Ghafari Zadeh, 2023). In addition, the proposed employment policies, which rely heavily on subsidized loans and public-private partnerships, fail to address the structural barriers in the labor market and overlook the need for inter-agency coordination and realistic financial modeling (Vahidpour et al., 2023). This divergence between stated policy ambitions and operational realities is emblematic of the plan's limited alignment with economic theory and international best practices.

Another key issue concerns the lack of internal coherence within the Seventh Development Plan. Effective public economic law requires not only precise and enforceable objectives but also logical consistency among those objectives. However, various provisions within the plan exhibit significant fragmentation. For instance, while the plan emphasizes increasing foreign investment, it simultaneously endorses foreign policy stances likely to prolong sanctions and economic isolation, particularly through its continuation of anti-Western rhetoric outlined in Article 100 (Razavi & Pirani, 2022). This internal conflict negates the plan's economic goals. Similarly, in the housing sector, Article 50 allows the privatization of urban land without environmental and social impact assessments, leading to urban congestion and socio-economic displacement (Karbasian, 2023). Moreover, Article 116 promotes land swaps based on current market values, potentially incentivizing corruption and further inflating

real estate prices. In Article 52, pricing mechanisms for urban renewal initiatives lack transparency and empirical grounding (Farahani, 2023). These inconsistencies signal the absence of a robust legal infrastructure that can integrate and harmonize economic policies across sectors, thereby compromising the normative and regulatory role of public law.

The plan's scope and volume also represent a significant structural issue. A development program must prioritize initiatives based on strategic needs and available resources, particularly in a country facing fiscal constraints and geopolitical uncertainty. Instead, the Seventh Plan suffers from policy overload and the absence of a clear hierarchy of goals. Unlike countries like China, which incorporate detailed annual GDP growth targets into long-term strategies, Iran's plan lacks phased benchmarks and performance indicators (Mehralitabar Firoozjani & Ali Beygi Alavi, 2021). This absence of prioritization is especially detrimental in addressing macroeconomic imbalances such as budget deficits, pension fund liabilities, and energy subsidies. These problems are interconnected and require a sequenced, systemic response. Yet, the plan fails to establish causal hierarchies among them or propose an execution framework that reflects such understanding. As a result, the document risks becoming a set of aspirational statements devoid of actionable content or enforceable mandates. Without targeted interventions and a coherent implementation roadmap, the plan may not deliver the structural reforms needed to realize economic public law.

Implementation challenges also abound. One persistent problem is the temporal mismatch between government administrations and the duration of the development plans. Presidential terms last four years, while development programs extend for five years, often spanning two different administrations.

This misalignment leads to discontinuity, policy reversals, and administrative inertia. Each new administration may resist executing policies conceived by its predecessor, leading to underperformance or selective implementation. The absence of timely operational plans and executive regulations further aggravates this issue. For example, the development of the National Artificial Intelligence Strategy and the Digital Economy Roadmap—both mandated by the plan—has faced repeated delays, undermining their efficacy as policy instruments (Azizkhani et al., 2021). Another institutional obstacle is the centralized and state-dominated structure of Iran's statistical system, which limits data accuracy and hampers independent monitoring (Abdollahi et al., 2022). In the context of public economic law, accurate and transparent data are foundational to fair regulation and policy evaluation. The lack of such data compromises the ability of legislators and oversight bodies to enforce compliance and assess the socio-economic impact of public policies.

In conclusion, the Seventh Development Plan, when viewed through the lens of economic public law, presents a landscape marked by conceptual ambiguity, normative inconsistency, and procedural inefficiency. Although the plan articulates several progressive objectives—including increased privatization, improved public-sector productivity, and the enhancement of foreign investment—these goals are undermined by structural flaws in both legal and practical dimensions. The dissonance between declared goals and economic realities, the absence of internal coherence, the overload of loosely defined policies, and the inadequate enforcement mechanisms collectively restrict the capacity of the plan to serve as a reliable legal and strategic framework for economic development. Addressing these issues requires not only legislative reform and administrative

coordination but also a fundamental shift in the methodology of national planning—one that prioritizes empirical analysis, policy coherence, institutional accountability, and alignment with the constitutional mandates of justice, freedom, and economic equity.

References

- Abdollahi, M., Mousavi Nik, S. H., & Asgari, J. (2022). Pathology of Iran's Statistical System (Part 8): Fundamental Challenges and Proposing an Ideal System. *Monthly Report of the Islamic Parliament Research Center (IPRC)*(10).
- Azizkhani, F., Moradi, R., & Behnia, M. (2021). *Labor Market Information System: Conceptualization and Iran's Status* (1st ed.). Tehran: Islamic Parliament Research Center and Office of Economic Studies.
- Bagherpour Oskoui, E. (2024). The Weak Position of Banks in Iran's Business Environment. *Scientific Monthly of Economic Security*(6).
- Ebadi, M. (2023). Examining the Position of Administrative Reform in Iran's Seventh Development Plan and Its Challenges. 16th National Conference on Management and Humanities Research in Iran,
- Fallahi, E., & Ghafari Zadeh, M. (2023). Pathology of Foreign Policy in the Sixth Development Plan; Solutions for the Seventh Plan. *Monthly Report of the Islamic Parliament Research Center (IPRC)*(4).
- Farahani, M. (2023). Review of the Seventh Development Plan Bill (Part 74): Evaluation from the Perspective of Housing Provision for Low-Income and Vulnerable Groups. *Monthly Report of the Islamic Parliament Research Center (IPRC)*(5).
- Ghafrani, F., Mortaz, Y., & Shahraeeni, S. M. (2023). Expert Opinion on: The Joint Commission's Report on the Seventh Development Plan Bill, Chapter 23 (Administrative Reform). *Monthly Report of the Islamic Parliament Research Center (IPRC)*(10).
- Hosseini Sadrabadi, I. (2016). *The Concept, Features, and Indicators of Development Plans in the Legal Systems of Iran and France: Economic Law in Public Policymaking* (1st ed.). Tehran: Mizan Publications.
- Jafari Shahrestani, A. (2023). Evaluating the Seventh Development Plan's Approach to Privatization: An Unlearned Experience. *Journal of Economy and Society*(50).
- Karbasian, M. (2023). A Dreamy and Idealistic Plan Called the Seventh Development Document. *Bazaar va Sarmaye Journal*(134).
- Khademi, A., & Choobdar, S. (2023). Industrialization of Construction Based on the Requirements of the Seventh Development Plan. 3rd International Conference on Architecture, Civil Engineering, Urban Planning, Environment, and Horizons of Islamic Art in the Second Step of the Revolution Statement,
- Mehralitabar Firoozjani, M., & Ali Beygi Alavi, H. (2021). *Model for Formulating Operational Plans in Iran's Five-Year Development Programs* (2nd ed.). Tehran: Center for Development and Foresight Research Publications.
- Mohaghegh, M. J. (2005). The Economic System from the Perspective of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Ma'rifat Journal*(89).
- Mousavi Khoshdel, S. S. (2015). Legal Challenges of Development Plans: Focus on the Sixth Plan. *Macro Policy Quarterly*(4).
- Razavi, S. A., & Pirani, S. (2022). Explaining the Requirements and Strategies of Energy Diplomacy and Security for the Islamic Republic of Iran in the Seventh Development Plan. *Journal of International Relations Research*(1).
- Salehi Tajrishi, T. (2023). Popularizing the Economy, Not Privatization: A Discussion with Hojjatolislam Dr. Seyed Mohammad Kazem Rajaei Ramesheh. *Kayhan Farhangi Journal*(434-435).
- Shahraeeni, S. M. (2023). Review of the Seventh Development Plan Bill's Joint Commission Approvals: Evaluating Changes in Administrative and Employment Systems of Executive Agencies. *Monthly Report of the Islamic Parliament Research Center (IPRC)*(8).
- Shojaei Fard, A. (2023). Obstacles to Implementing Article 22 of the General Policies of the Seventh Development Plan: Strengthening an Economy-Oriented Approach in Foreign Policy and Regional/Global Relations. *Scientific Quarterly of Political Sociology of the Islamic Revolution*(4).
- Vahidpour, M., Etebarian, A., Hadi Peykani, M., & Daei Karimzadeh, S. (2023). Interpretive Structural Modeling of Factors Affecting Women's Employability Development with Emphasis on the Seventh Development Plan. *Women's Research Journal*(46).
- Zolfagharian, M., Haji Hassani, S., & Amadeh, H. (2024). Analyzing the Causes of Misalignment Between Development Plan Laws and Annual Budgets Using the DEMATEL Approach and Causal Diagrams. *Strategic Research Journal of Budget and Finance*(2).